

نخستین مشکل
بزرگ-درست
مانند ۱۹۹۳-این
بود که چگونه باید
خلاقیتناپذیر
سیاسی و امنیتی
ناشی از نابودی
رژیمی را پر
می کردند که پس
از بیش از دوده
اندکی نظم برای
کشور به همراه آورده
بود

نظامی «علیه آن ملت‌ها، سازمان‌ها یا اشخاص... که» برای حملات یازده سپتامبر «مجاز صادر کرده، در آن مشارکت داشته یا کمک کرده بودند»-یا کسانی که «به چنین سازمان‌ها یا اشخاصی پناه بدهند»-با رأی ۹۸-۰ در سنا و ۴۲۰-۱ در مجلس تصویب شد. تنها عضو کنگره که به این لایحه رأی منفی داد نماینده دموکرات کالیفرنیا، باربارا لی بود که -یکه و تنها با آینده بینی- هشدار داد این لایحه به «جنگی بی انتها منجر می شود که نه استراتژی خروج دارد و نه هدفی مشخص.»

مقامات دولتی محتاطانه به پیشنهاد تغییر رژیم دوباره در افغانستان اندیشیدند. در ۲۳ سپتامبر، مشاور امنیت ملی کاندولیزا رایس در تلویزیون گفت که طالبان «رژیمی بسیار سرکوبگر و مخوف» بود و «مردم افغان بدون آن وضع بهتری داشتند» اما به این سؤال که آیا ایالات متحده این هدف را دنبال می کند یا نه پاسخی نداد. او گفت: «خواهیم دید برای این کار چه ابزاری در اختیار داریم.» معاون رئیس جمهور دیک چنی نیز روشن ساخت که «در بلندمدت... می خواهیم طالبان برود،» ولی در آن برهه تمرکز روی آن بود که القاعده را نابود کنند و طالبان را وادار سازند تا رهبرش، ملا عمر را «با کسی جایگزین کنند که با آنچه نیاز داریم تا در رابطه با القاعده انجام بدهیم، همسوتر باشد.» وزیر خارجه، کالین پاول توضیح داد که ماهیت رژیم افغانستان «در این لحظه برای ما اهمیت ندارد.» پاول توضیح داد: «می خواهیم افغانستان بدون تروریست باشد. اگر طالبان می تواند این کار را بکند، چه خوب. اگر نمی تواند، با کس دیگری همکاری می کنیم که بتواند این کشور را از تروریست‌ها پاک کند.»

ولی هر روزنه‌ای برای رهبری طالبان برای نجات خود سریع بسته شد و پس از آن سرنوشت محتوم رژیم رقم خورد. این بار در مقایسه با دهه ۱۹۸۰، ایالات متحده فقط از طریق اشخاص ثالث به اپوزیسیون افغان مساعدت پنهان نرساند، بلکه مستقیم و آشکارا در یک تهاجم نظامی بی‌امان و ادامه دار شرکت جست. در همان ۲۶ سپتامبر، یک تیم شبه نظامی سیا در شمال شرق افغانستان فرود آمد و به «ائتلاف شمال» تسلیحات و تدارکات رساند و مشاوره نظامی داد؛ ائتلاف شمال گروهی از مبارزان عمدتاً تاجیک و ازبک مستقر در ده‌ای در پنجشیر بودند که همچنان در مقابل طالبان مقاومت می کردند. دو هفته بعد در ۷ اکتبر، ایالات متحده با حملات هوایی دقیق، از موشک‌های کروز پرتابی از دریا، هواپیماهای برخاسته از ناو، بمب افکن‌های دوربرد و جنگنده‌هایی که سریع در پایگاه‌های ازبکستان گرد آمده بودند، دست به بمباران زد. هدف اصلی عملیات، نابودی القاعده و زیرساخت‌هایش بود، ولی به سرعت مشخص شد جنگ فقط با نابودی طالبان به پایان می رسد. در نیمه اکتبر یک برنامه استراتژیکی برای افغانستان که پنتاگون طرح کرده بود روشن کرد که از اهدافش «پایان دادن به حکومت طالبان و رهبران آن» بود. در ۱۱ اکتبر، بوش همچنان به طالبان می گفت که «اگر [بن لادن] و افرادش را تحویل بدهید، در برنامه‌مان برای کشورتان تجدیدنظر می کنیم،» ولی طالبان امتناع ورزید. در ۱۰ نوامبر، روزی که ائتلاف شمال کنترل شهر شمال غربی مزارشریف را به دست گرفت، بوش به سازمان ملل متحد گفت که فرجام طالبان «نزدیک می شود» و وقتی که بروند، دنیا می گوید «شرشان کم.» سه روز بعد، کابل -پایتخت که پنج سال گذشته در اختیار طالبان بود- بدون درگیری سقوط کرد.